

بقلم نعت الله کاسمی

ادبیات خارجی

بقیه شرح حال الفردموسه

که شامل فردریک و برنرت در ۱۸۳۸ (۱) و پسر تیلین (۲) در ۱۸۳۸ و مارکو (۳) در ۱۸۳۸ و تاریخ یک مروارید سفید (۴) در ۱۸۴۲ و بی ار کامیل [۵] در ۱۸۴۴ و مکس [۶] ۱۸۵۳ میباشد متدرجاً از خامه توانای او بوجود آمده اند

اشعار : Poesies

« اشعار نخستین » (۷) که در مدت ۶ سال اوائل جوانیش سروده یعنی از ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۵ .
 حکایات اسپانی و ایتالیا [۸] که شامل « ترجیع بند » ماه (۹) ماردش (۱۰) میباشد و این دومی را در ۱۸۳۰ سروده است
 منظره در یک صندلی (۱۱) که شامل یک درام [۱۲] این کمدی (۱۳) و یک حکایت [۱۴] مهمترین آنها ساغر ولدها (۱۵) و خیالات دختران جوان (۱۶) می باشد رلا [۱۷] که در ۱۸۳۳ طبع توانایش ظاهر ساخته و در موقعی

- (۱) Frédéric et Bernerette (۲) Le fils du Tillien (۳) Margot
 (۴) Histoire d'un merle blanc (۵) Pierre et Conille (۶) la mouche (۷) Premières poésies (۸) Contes d'Espagne et d'Italie
 (۹) Ballade à la lune (۱۰) Mardoche (۱۱) Spectacle dans un fouteuil (۱۲) Drame (۱۳) Concélie (۱۴) Conte (۱۵) la Coupe et les lèvres (۱۶) A quoi rêvent les jeunes filles (۱۷) Rolla

منظوم گشته که اضطراب دل و پریشانی خاطرش بحد کمال بوده و بهمین واسطه این یکی از بهترین آثار نظمی وی بشمار میرود امید بخدا (۱۸) که در فوریه ۱۸۳۸ و یادگاری [۱۹] که در ۱۸۴۱ منظوم ساخته شدها [۲۰] بهترین شاهکار های اشعار بزمی [۲۱] الفردموسه را قصائد شبهای او تشکیل میدهند و شامل چهار قصیده است :

شب مه و شب دسامبر (۲۲) را در ۱۸۳۵ و شب اوت (۲۳) را در ۱۸۳۶ و شب اکتبر (۲۴) را در ۱۸۳۷ برشته نظم کشیده است

اشعار جدید (۲۵) که قطعاتش شامل تشبیهات طبیعی و استعارات نیکو می باشد و در مدت ۲۰ سال اواسط عمرش برشته نظر در آورده یعنی از ۱۸۵۲ تا ۱۸۳۶ این بود فهرست مفصلی از آثار نثر و نظم این شاعر چهل و هفت ساله و اینک ترجمه بعضی از آثارش را میزنکاریم
از اشعار جدید :

کلبه دهجروقی ۲۶

هنکام غروب که برزگری بیچاره برای رفع خستگی از کوششهای روزانه بکوخ دهقانی خویش آمد آنرا چون بخت خود خراب و ویران یافت !!
ابتدا گمان کرد این واقعه دهشتنا را در خواب می بیند ولی بالاخره

(۲۱) Les Nuits (۲۰) le souvenir (۱۹) L'espoir en Dieu (۱۸)

(۲۳) Nuit de Mai; Nuit de Décembre (۲۲) Poésies lyriques

شب دسامبر را هم قلمر محترم آقای گلدشتایان بعنوان شب پائیز در مجله آینده ترجمه کرده اند

(۲۶) Poésie nouvelles (۲۵) Nuit d'Octobre (۲۴) Nuit d'Août

La chaumière incendicé par la foudre

مشكوك شده سر بسوی آسمان بلند نمود تا حقیقت قضیه را از زبان فرشته‌گان آسمانی بشنود !

در آن شب تیره و تاریک که گاه‌گاهی زمین از نور برق روشن می شد آن بیچاره بجهتجوی کلبه خود می شتافت و بخاطر می آورد آن شبها تیرا که زن مهرانش بر روی استانه در انتظار او را میکشید ولی هرچه کاوش کرد از جایگاه همیشگی خود جز مشت خاک کستری میان آن صحرای خلوت وحشت افزا چیزی نیافت بچه های عریانش که در پناه بوته ها از ترس و بیم پنهان شده بودند همینکه پدر بی‌نواي خود را از دور دیدند بطرف او دویده و چون بوی رسیدند حکایت کردند که چگونه برق پناه گاه کوچک آنها را خراب و ویران نموده و مادر بدبختشان با فریاد های دلخراش هنگام خرابی خانه جان داد و اکنون بکلی ساکت و آرام در زیر خاک خفته است دهقان بیچاره همینکه دانست بدبختی چگونه از اطراف بر او تاخت آورده

نورچشمان خود را در اغوش گرفت و چهره آنها را بسینه بچسباند دیگر برای او چیزی جز « سرسنگی امروز » و « مرگ فردا » باقی نمانده بود چنگ غم چنان کلایش را بفشرد که آه سرد هر از دل پر در دشت قدرت بیرون آمدن نداشت با ناتوانی مات و حیران از آن مکان دور می گردید و چشمان بر آسمان دوخته بود و می دید چگونه حاصل دست رنج یک عمر زحمت و رنجش آتش گرفته دود شده و با ابرهای سیاه غلیظ آسمان مخلوط میشود

دور می شد بدون آنکه چیزی بگوید زیرا شراب بدبختی عقل و هوش آن بیچاره را زائل نموده بود.

بقیه دارد